



صلح و اصل برابری انسانی / اسلام، صلح را به عنوان اصل زیربنایی در روابط بین‌المللی ترویج می‌کند

آیت‌الله دکتر سیدمصطفی محقق داماد*

اسلام دارای اصولی ارزشمند در نظام اخلاق اجتماعی خویش است؛ اصولی که تنها با نظریه اصالت صلح متناسب است. در این گفتار کوتاه به مفاهیمی همچون برابری انسانی و تسامح دینی و برادری دینی و انسانی خواهیم پرداخت و نشان خواهیم داد که بدون اعتقاد و التزام به صلحی پایدار و همزیستی مسالمت‌آمیز، بستر شایسته تحقق اصول اخلاق اجتماعی اسلام فراهم نخواهد شد.

مبحث اول: اصل کرامت انسانی

«آزادی» رکن بنیادین حقوق بشر است که از سوی دموکراسی‌های کلاسیک به رسمیت شناخته شده است. علاوه بر آزادی در تمام ابعادش، برابری یا «مساوات» کفه دیگر ترازوی حقوق بشر را تشکیل می‌دهد. این واژه‌های کلیدی به سبب ارتباط نزدیک‌شان با موضوع صلح و برادری انسانی، بحث ویژه‌ای را می‌طلبند که این مبحث عهده‌دار تبیین مختصر آن است.

اصل برابری موجد یکی از اصول کلی، ممتاز و مقدس اسلامی تحت عنوان «مساوات» است. اسلام تمام بشریت را در پیشگاه قانون - چه در بهره‌مندی از حقوق و مزیت‌های مکتسبه ناشی از اجرای آن و چه در ایفای تعهدات و تکالیف و الزامات مقرر در آن - بدون پروای هیچ‌گونه تبعیضی از نقطه‌نظر نژاد، ملیت، رنگ، خانواده یا عقیده و فکر، انسان‌هایی برابر و یکسان فرض می‌کند.

بنابر آیات قرآن، «تقوا» تنها معیار کرامت در اسلام است؛ معیاری که در آیه قرآنی زیر به صراحت آمده است: «ای مردم! ما همه شما را از مرد و زنی آفریدیم و آنگاه شما را شعبه‌ها و قبایل مختلف گردانیدیم تا یکدیگر را بشناسید، همانا بزرگوارترین شما نزد خانواده، با تقواترین شماست»^۱

کرامت بشری‌ای که مورد تأکید این آیه شریفه قرار گرفته، هرچند ممکن است بیان و توصیف یک امر وجودی تلقی گردد، ولی ناگفته پیداست که وجود کرامت در انسان - از آن نظر که انسان است - تکمیل نخواهد شد مگر با صیانت از آزادی‌ها، آن هم در انواع و اقسام آن، به ویژه آزادی شخصیت و آزادی تملک، که همان حرمت جان و حرمت مال انسان‌هاست و شاید در ترجمان همین آیه شریفه است که رسول‌الله(ص) در بیانیه جاودانه خویش در حجة‌الوداع، این دو امر را تثبیت کرده، فرمودند: «خون‌های شما و اموال شما بر شما حرام است تا زمانی که خدایتان را ملاقات کنید»^۲ اصولی نظیر اصل منع تجاوز به اموال و حقوق دیگران - که در آیات قرآن ۳ و روایات ۴ در تعبیرات مختلف وارد گردیده - و نیز اصل آزادی فکر و عقیده - که در جای خود از آن بحث خواهیم کرد - همه و همه مبتنی بر اصل کرامت بشری است و ناگفته روشن است که نظامی که چنین اصلی را می‌پذیرد، نمی‌تواند در روابط انسانی اصل را بر جنگ و قهر و غلبه و خصومت بنهد.

مبحث دوم: اصل برابری انسانی

در کنار اصل کرامت بشری، اصل برابری انسانی است که خداوند متعال در آیات متعددی به آن تصریح کرده است؛ مثلاً: «ای مردم بترسید از پروردگار خود! آن خدایی که همه شما را از یک تن بیافرید و هم از او جفت وی را خلق کرد و از آن دو تن، خلقی بسیار برانگیخت»^۵ و «نیست آفرینش و برانگیخته شدن همه شما مگر مثل یک تن واحد»^۶.

بسیاری از احادیث پیامبر(ص) نیز بر اصل برابری و مساوات تأکید می‌کنند؛ مثلاً: «همه شما فرزندان آدم(ع) هستید، و آدم از خاک خلق شده است، پس هیچ‌کس اجازه ندارد به پدران خود مباحث کند»^۷ یا «من با هر فرد پرهیزگار - هر چند برده‌ای حبشی باشد - برادرم و از هر انسان عاصی - حتی اگر از بزرگان قریش باشد - بیزار می‌جویم»^۸ و «عرب بر عجم و سفید بر سیاه هیچ برتری ندارد مگر به تقوی»^۹ و «من بالاترین فرزندان آدم هستم ولی هیچ فخری نمی‌کنم بدین که می‌گویم»^{۱۰}.

وجود این نصوص الهی در متن تعالیم و آموزه‌های اسلام، دلیلی کافی بر این ادعا خواهد بود که برابری و مساوات، اصلی اساسی در شرع اسلام است؛ به طوری که با رویه‌های متناقضی که در طول تاریخ رخ داده است، مخدوش نمی‌شود. از این رو اعمال متناقض با اصل مساوات، صرفاً نمی‌توانند به عنوان تخلف از قانون شرعی تلقی گردند.

باید توجه داشت که گرچه اصل مساوات، اولین ظهور و بروز خود را در حوزه تکالیف شرعی می‌یابد که به موجب آن، تمام مؤمنین بدون هیچ گونه تمایزی بین تبعه و بیگانه، مرد و زن، سفید و سیاه یا غیرآنها، ملزم به ادای تکالیف شرعی هستند و از نمازهای جماعت مساجد گرفته تا زیارت خانه خدا در مکه، در تمامی موارد بدون هیچ‌گونه تبعیضی شانه‌به‌شانه هم می‌ایستند؛ اما این اصل در حوزه روابط اجتماعی نیز اعمال می‌شود. حاکمیت این اصل در روابط اجتماعی بدین معناست که تمام افراد از نظر حقوق و تکالیف مساوی هستند و یک نظام قانونی و دادرسی واحد بر آنها حکومت خواهد کرد. این قاعده بر مسلمین - هرکجا که مقیم باشند - و بر غیر مسلمینی که اجازه اقامت در قلمرو اسلامی داشته باشند، اعمال می‌شود. بنابراین لوازم اجرایی اصل برابری عبارت است از:

الف. منع تبعیض دینی در حقوق شهروندی

ب. منع تبعیض طبقاتی

ج. منع تبعیض نژادی

مبحث سوم: اصل تسامح دینی

در عرصه روابط بین ادیان، متعصبانه‌ترین طرز تلقی، عدم تسامح است. زیرا به ایجاد و گسترش تنفر، ستم و دشمنی در میان اتباع ادیان می‌انجامد. نمونه‌های این گرایش در دوران باستان و قرون وسطی بسیار بوده و حتی در عصر تجدد قابل مشاهده است. اما در دوره معاصر، در نزد افکار عمومی جامعه بشری، این تعصب کورکورانه و نحوه تفکر تنگ‌نظرانه، مردود شناخته شده و از حریت دینی و تسامح حمایت می‌شود. به علاوه، جریان‌های فکری نوین به تفاهم متقابل و تقارب بین پیروان ادیان و مذاهب مختلف دعوت می‌کنند. این ارتباط دو جانبه، به نوبه خود موجب شده که نظریه تسامح منفی - که مبتنی بر حذف و بدگمانی بود - به تعاون مثبت و حسن ظن متقابل مبدل گردد. حقوق اسلامی نیز صریحاً و اکیداً از حریت فکر عقیده حمایت می‌کند و تسامح، تفاهم و تعاون را در بیان اثنای بشر تثبیت می‌نماید.

مبحث چهارم: برادری دینی و برادری انسانی

مکتب اسلامی براساس اصل مساوات انسانی و تسامح و تعاون مذهبی، بر برادری میان مؤمنان و اخوت میان همه ابنای بشر تأکید می‌کند. برادری میان مسلمانان تام، کامل و بر وحدت دین و ایمان استوار است. نماز جماعت، حج و تکلیف به زکات، همه مسلمانان را در راه تعاون اجتماعی و اعمال احسان منسجم و واحد می‌گرداند.

قرآن کریم این برادری را در آیه ۱۰ سوره حجرات مورد تصریح قرار می‌دهد: «مؤمنان با هم برادرند». ۱۱ احادیث نبوی نیز این مطلب را تأکید کرده‌اند؛ مثلاً: «پیمان مسلمانان یکی است» ۱۲، «ایمان ندارد کسی از شما، مگر آنچه برای خود دوست دارد، برای برادرش هم آن را بخواهد» ۱۳ یا «مثل مؤمنان در دوستی و مهربانی و رفتارشان با یکدیگر، همانند پیکر واحدی است که وقتی یکی از اعضا به درد آید، تمام اعضا شکوه خواهند کرد» ۱۴ و «مؤمن نسبت به مؤمن همانند ستون است. هر مؤمنی دیگری را پشتیبانی می‌کند» ۱۵/

برادری انسانی

اخوت دینی در اسلام، بر اخوتی شامل‌تر و بزرگ‌تر - یعنی برادری انسانی - استوار می‌باشد. این برادری همان است که حضرت مولی (ع) در فرمان به مالک اشتر فرموده‌اند: «او نظیر لک فی الخلق» ۱۶؛ یعنی عده‌ای از شهروندان هم نوع انسانی تو هستند، آنها نیز از حقوق برادری برخوردار هستند. این برادری مبتنی بر سه اصل زیر است:

الف. جهانی بودن رسالت پیامبر(ص): این شمول به وسیله آیات گوناگونی مورد تأکید و حمایت قرار گرفته است.

ب. وحدانیت خداوند و دین الهی: اسلام به وحدانیت خداوند و احترام به کلیه پیامبران و ایمان به تمامی کتب آسمانی دعوت می‌کند و همه انسان‌ها را امت واحد می‌داند که توسط ایمان به خدای واحد به یکدیگر مرتبط گشته‌اند. همه این نکات در آیات زیر آمده‌اند: «و همگان دست در ریسمان خدا زنید و پراکنده مشوید و از نعمتی که خدا بر شما ارزانی داشته است یاد کنید. آن هنگام که دشمن یکدیگر بودید و او دل‌هایتان را به هم مهربان ساخت و به لطف او برادر شدید» ۱۷، «همانا این امت، امت واحدی است و من خدای شمایم، پس پرهیزگاری پیشه کنید» ۱۸ و «به دین اسلام دعوت کن و چنان که فرمان یافته‌ای پایداری ورز و از پی خواهش‌های‌شان مرو و بگو به کتابی که خدا نازل کرده است ایمان دارم و به من فرمان داده‌اند که در میان شما به عدالت رفتار کنم. خدای یکتا پروردگار ما و پروردگار شماست. اعمال ما از آن ما و اعمال شما از آن شما. میان ما و شما هیچ محاجه‌ای نیست. خدا ما را در یک جا گرد می‌آورد و سرانجام به سوی اوست» ۱۹/ پیامبر(ص) نیز می‌فرماید: «هان ای مردم، خداوند یکی است، پدر همه یکی است و دین یکی است.» ۲۰

ج. وحدت انسانیت و عدالت: سومین اصل در حمایت از اخوت جهانی در اسلام، اصل وحدت انسانیت و عدالت است. اسلام به برادری جهانی و وحدت جهانی دعوت می‌کند و تعصبات محلی و ملی را مردود می‌شمارد. اسلام همه مردم را بدون تمایز مذهبی یا قومی براساس مساوات و عدالت، در تسامح دینی و تعاون مذهبی، مشترک و سهیم می‌گرداند و این قاعده حقوقی، اساس همه روابط داخلی و بین‌المللی است. لذا در قرآن کریم می‌خوانیم: «خداوند به عدالت و نیکی فرمان می‌دهد» ۲۱، «دشمنی با گروهی، وادارتان نکند که عدالت نورزید. عدالت ورزید که به تقوی نزدیک‌تر است» ۲۲ و «برای هر گروهی از شما شریعت و روشی نهادیم و اگر خدا می‌خواست، همه شما را یک امت می‌ساخت. ولی خواست در آنچه به شما ارزانی داشته است شما را بیازماید؛ پس در خیرات بر یکدیگر پیشی گیرید، همگی بازگشتتان به خداست تا از آنچه در آن اختلاف می‌کردید آگاهتان سازد» ۲۳/ از پیامبر اکرم(ص) هم نقل شده است که فرمود: «از ما نیست کسی که به تعصب دعوت کند.» ۲۴

برادری انسانی در قرآن مجید

در قرآن آیات متعددی وجود دارد که می‌رساند پیامبران خدا تمام مردم را برادر خود خوانده‌اند، خواه مؤمن و خواه کافر. به این آیات توجه کنید:

۱. هود برادر قوم عاد: «و اذکر ابا عاد اذ انذر قومه بالاحقاف ۲۵: یاد بیاور برادر قوم عاد را وقتی که قوم خود را در احقاف انذار نمود»، «و الی عاد اخاهم هودا ۲۶: [فرستادیم] به سوی مردم عاد برادرشان هود را.»

۲. صالح برادر قوم ثمود: «و لقد ارسلنا الی ثمود اخاهم صالحا ۲۷: ما فرستادیم به سوی قوم ثمود برادرشان صالح را»، «اذ قال لهم اخوهم صالح الاتقون ۲۸: [یاد بیاور] آن هنگام که برادر آنان صالح گفت: آیا تقوا پیشه نمی‌کنید؟»

۳. شعيب برادر اهل مدین: «و الی مدین اخاهم شعيباً ۲۹: [و فرستادیم] به سوی مدین برادرشان شعيب را فرستادیم»
۴. نوح برادر قوم خود: «اذ قال لهم اخوهم نوح الا تتقون ۳۰: [یاد بیاور] که به قوم نوح برادرشان نوح گفت آیا تو پیشه نمی‌کنی؟»
۵. لوط برادر قوم خود: «اذ قال لهم اخوهم لوط الا تتقون ۳۱: [یاد بیاور] که به آنان برادرشان لوط گفت آیا تقوا پیشه نمی‌کنی؟»

همانطور که ملاحظه می‌کنید، در آیات فوق خداوند متعال عموم انسانهای مخاطب انبیا را برادر آنان خوانده است. پیام این آیات آن است که انسانها همه نسبت به همنوعان خویش برادر انسانی محسوب می‌شوند، لذا هر چند میانشان عوامل اختلاف از حیث دین، زبان، خون، رنگ پوست و سرزمین وجود دارد ولی نباید هیچ یک از این‌گونه عوامل مایه تبعیض حقوق گردد. به نظر ما از این گونه آیات می‌توان طرح تشکیل وحدت جامعه جهانی و الغای مرزها را استنتاج نمود؛ درست همان موضوعی که در قرن حاضر در متن اعلامیه حقوق بشر آمده است.

ضرورت پیگیری صلح

مبحث اول: وجوب تلاش برای صلح

از اصل‌های برابری انسانی، تسامح دینی و اخوت جهانی، به وضوح این نتیجه به دست می‌آید که اسلام، صلح را به عنوان اصل زیربنایی در روابط بین‌المللی پذیرفته، تثبیت نموده و ترویج می‌کند. آیات عدیده‌ای در قرآن کریم این اصل را مورد تأکید قرار داده و به صلح‌طلبی امر می‌نمایند؛ مثلاً به آیات زیر توجه کنید:

«ای آنان که ایمان آورده‌اید همگی در صلح داخل شوید» ۳۲، «اگر آنان برای صلح بال گشودند تو نیز بال بگشا و بر خداوند توکل کن» ۳۳، «پس هرگاه کناره گرفتند و با شما ننگیدند و به شما پیشنهاد صلح دادند خداوند هیچ راهی برای شما بر آنان نگشوده است» ۳۴/۱ و نیز پیامبراکرم (ص) می‌فرماید: «روبارویی با دشمن را آرزو مکنید و آن هنگام که پیروز شدید، بردبار باشید.» ۳۵

بنابراین صلح و آشتی به طور کلی در رأس تعالیم اسلام است و به طور خاص در عرصه روابط بین‌المللی، از ویژگی‌های پذیرفته شده از سوی این مکتب به شمار می‌رود و در نتیجه تلاش برای تحقق آن از واجبات شرعی هر مسلمان است؛ به ویژه زمانی که دشمن آغوش خود را برای آشتی باز کند و دست از جنگ بردارد. بی‌تردید پدیده جنگ امری است که ممکن است مسلمانان بدان مبتلا گردند که در این صورت نیز باید صبوری پیشه سازند.

مبحث دوم: دعوت صلح‌جویانه

در آغاز، تأکید بر این حقیقت ضروری است که دعوت به پذیرش اسلام باید از طریق برهان و حکمت و موعظه حسنه و ایمان اختیاری باشد. این قاعده مستند به آیات قرآنی زیر است:

«مردم را با حکمت و اندرز نیکو به راه پروردگارت بخوان و با بهترین شیوه با آنان مجادله کن» ۳۶، «اگر پروردگار تو بخواهد، همه کسانی که در روی زمین هستند ایمان می‌آورند. آیا تو مردم را به اجبار و می‌داری که ایمان بیاورند؟» ۳۷، «در دین هیچ اجباری نیست هدایت از گمراهی مشخص شده است» ۳۸، «برعهده پیامبر جز تبلیغی روشنگر، هیچ نیست» ۳۹، «شما را دین خود و مرا دین خود» ۴۰، «بگو این سخن حق از جانب پروردگار شماست. هر که بخواهد ایمان بیاورد و هر که بخواهد کافر شود» ۴۱/۱

در مورد تسامح و حریت دینی نیز لازم است شیوه تعامل اسلام با اهل کتاب و احترامی که به آنان می‌گذارد، مورد توجه قرار گیرد. این معنا در آیات قرآنی زیر بیان شده است:

«با اهل کتاب، جز به نیکوترین شیوه مجادله مکنید مگر با آن‌ها که ستم پیشه کردند و بگویند به آنچه بر ما نازل شده و آنچه بر شما نازل شده است، ایمان آورده‌ایم و خدای ما و خدای شما یکی است و ما در برابر او گردن نهاده‌ایم» ۴۲، «اگر با تو به گفتگو برخیزند بگو: من و پیروانم به خدای روی آورده‌ایم. به اهل کتاب و مشرکان بگو آیا شما روی آورده‌اید؟ اگر آنان روی آورده‌اند، پس هدایت یافته‌اند و اگر روی گردان شده‌اند بر تو تبلیغ است و بس» ۴۳، «بگو ای اهل کتاب بیایید از آن کلمه‌ای که مقبول ما و شماست پیروی کنیم؛ آن که جز خدای را نپرستیم و هیچ چیز را شریک او نسازیم و بعضی از ما بعضی دیگر را سوای خدا به پرستش نگیرد» ۴۴، یا «کسانی که ایمان آوردند و کسانی که آیین یهودان و ترسایان و صابئان را برگزیدند، اگر به خدا و روز بازپسین ایمان داشته باشند و کردار نیک به جا آورند، خدا به آنها پاداش نیک می‌دهد و نه بیمناک می‌شوند و نه محزون» ۴۵/۱

.....

پی‌نوشت ها:

- ۱/ حجرات، ۱۳: «یا ایهاالانسان انا خلقناکم من ذکر و انثی و جعلناکم شعوباً و قبائل لتعارفوا انّ اکرمکم عندالله اتقیکم ان الله علیم خبیر»
- ۲/ «ان دماکم و اموالکم علیکم حرام الی ان تلقوا ربکم» رک: ابن عبد ربه، العقد الفرید، قاهره، ۱۹۳۵۴، جلدی، ج ۲، ص ۳۵۷ - ۳۵۹ و نیز ابوداود سجستانی، السنن قاهره ۴ جلدی، ج ۲، ش ۱۹۰۵، با اندکی تفاوت
- ۳/ مثل: لاتاکلو اموالکم بینکم بالباطل، نساء، ۲۹
- ۴/ مثل حدیث شریف «لا ضرر و لا ضرار» الجامع الصغیر، ج ۲، ش ۹۸۹۹، کافی، باب اضرار، ج ۵، ص ۲۹۲، وسایل الشیعه، ج ۱۷، ص ۳۴۱
- ۵/ نساء، ۱: «یاایها الناس اتقوا ربکم الذی خلقکم من نفسٍ واحدّه و خلق منها زوجها و بثّ منهما رجالاً کثیراً و نساء»
- ۶/ لقمان، ۲۸: «ما خلقکم و لا بعثکم الا کنفسٍ واحده»
- ۷/ سیوطی، الجامع الصغیر، ج ۲، ش ۶۳۶۸ «کلکم بنو آدم، و آدم خلق من تراب، لینهین قوم یفتخرون بأبائهم» در منابع شیعی با تفاوت، رک: مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۳۶۷
- ۸/ مأخوذ از عبدالرحمن عزام در رساله الخالده (قاهره، ۱۹۴۶)، ص ۱۴۳: «انا اخوکل تقی و لوکان عبداً حبشیاً و برئ من کل شقی و لوکان شریفاً قرشیاً».
- ۹/ مأخوذ از رشید رضا، الوحی المحمدی، (قاهره چاپ پنجم، ۱۳۶۷ ه ق)، ص ۲۲۶

۱۰/ عیون اخبارالرضا، ج ۲، ص ۳۵، صدوق امامی، ص ۱۸۷، بحارالانوار، ج ۹، ص ۲۹۴

۱۱/ حجرات، ۱۰: «انما المومنون اخوه»

۱۲/ سیوطی، الجامع الصغیر، ش ۴۳۳۴، «ذمه المسلمین واحده» و نیز دعائم الاسلام، ج ۱ ص ۳۷۸ و در برخی منابع این حدیث از طریق علی(ع) منقول است، رک: مستدرک الوسائل، ج ۱۱ ص ۴۵

۱۳/ در صحیحین و سایر سنن نقل شده است، رک: سیوطی، الجامع الصغیر، ش ۹۹۴۰ «لا یؤمن احدکم حتی یحب لأخیه ما یحب لنفسه»، در منابع شیعی، رک: منیة المرید، ص ۱۹۰، بحارالانوار، ج ۶۹، ص ۲۵۷، وسائل، ج ۲ ص ۲۱۱

۱۴/ به نقل از صحیح مسلم و مسند احمد، رک: الجامع الصغیر، ش ۸۱۵۵ «مثل المؤمنین فی توادهم و تراحمهم و تعاملهم مثل الجسد، اذا اشتکی منه عضو تداعی له سائر الجسد السهر و الحمی».

۱۵/ به نقل از صحیحین و سنن دیگر، سیوطی، الفتح الکبیر، ج ۳، ص ۲۵۱ (قاهره ۳۵۲ هـ، ج ۳ جلدی) «المؤمن للمؤمن کالبنیان یشد بعضه بعضاً».

۱۶/ نهج البلاغه، نامه ۵۳

۱۷/ آل عمران، ۱۰۳ «واعتصموا بحبل الله جمیعاً و لا تفرقوا واذکروا نعمت الله علیکم اذ کنتم اعداء فالف بین قلوبکم فاصبحتم بنعمته اخواناً و کنتم علی شفا حفره من النار فانقذکم منها کذلک یتبین الله لکم ایاته لعلکم تهتدون».

۱۸/ مومنون، ۵۲ - ۵۱ «و ان هذه امتکم امة واحدة و انا ربکم فاتقون».

۱۹/ شوری، ۱۵ «فلذلک فادع واستقم كما أمرت و لا تتبع اهواءهم و قل آمنت بما انزل الله من کتابٍ و أمرت لا عدل بینکم الله ربنا و ربکم لنا اعمالنا و لکم اعمالکم لاحجه بیننا و بینکم الله یجمع بیننا و الیه المصیر».

۲۰/ رشید رضا، الوحی المحمدی، ص ۲۳۰ به نقل از ابن عساکر «یا ایهاالناس ان الرب واحد و الاب واحد و ان الدین واحد».

۲۱/ نحل، ۹۰ «ان اله یامور بالعدل و الاحسان».

۲۲/ مائده، ۸ «ولا یجرمنکم شان قوم علی الا تعدلوا اعدلوا هو اقرب للتقوی و اتقوا الله ان الله خبیر بما تعملون».

۲۳/ مائده، ۴۸ «لکل جعلنا منکم شرعة و منهاجا و لو شاء الله لجعلکم امة واحدة و لکن لیبلوکم فیما آتاکم فاستبقوا الخیرات الی الله مرجعکم جمیعاً فینبئکم بما کنتم فیہ تکتفون».

۲۴/ به نقل از سنن ابوداود. الجامع الصغیر، ج ۲، ش ۷۶۸۴ (لیس منا من دعا الی عصبیه) و نیز مرآت العقول، ج ۱۰ ص ۱۷۳ به نقل از نهاییه ابن اثیر ج ۳ ص ۲۴۳

۲۵/ احقاف، ۲۱

۲۶/ اعراف، ۶۵

۲۷/ نمل، ۴۵

۲۸/ شعرا، ۱۴۲

۲۹/ اعراف، ۸۵

۳۰/ شعرا، ۱۰۶

۳۱/ شعرا، ۱۶۱

۳۲/ بقره، ۲۰۸ «یا ایهاالذین امنوا ادخلوا فی السلم كافة».

۳۳/ انفال، ۶۱ «و ان جنحوا للسلم فاجنح لها و توکل علی الله».

۳۴/ نساء، ۹۰ «فان اعتزلوکم فلم یقاتلوکم و ألقوا الیکم السلم فما جعل الله لکم علیهم سبیلاً».

۳۵/ به نقل از صحیحین، رک، سیوطی، الجامع الصغیر، ش ۹۷۳۷ «لاتتمنوا لقاء العدو و اذا لقیتموهم فاصبروا».

۳۶/ نحل، ۱۲۵ «ادع الی سبیل ربک بالحکمه و الموعظه الحسنه و جادلهم بالتی هی احسن ان ربک هم اعلم بمن ضل عن سبیله و هم اعلم بالمهتدین».

۳۷/ یونس، ۹۹ «و لو شاء ربک لامن من فی الارض کلهم جمیعاً، أفانت تکره الناس حتی یكونوا مومنین». «و جادلهم بالتی هی احسن ان ربک هم اعلم بمن ضل عن سبیله و هم اعلم بالمهتدین».

۳۸/ بقره، ۲۵۶ «لا اکراه فی الدین قد تبین الرشد من الغی».

۳۹/ عنکبوت، ۱۸ «و ما علی الرسول الا البلاغ».

۴۰/ کافرون، ۶ «لکم دینکم ولی دین».

۴۱/ کهف، ۲۹ «و قل الحق من ربکم فمن شاء فلیؤمن و من شاء فلیکفر».

۴۲/ عنکبوت، ۴۶ «و لا تجادلوا اهل الکتاب الا بالتی هی احسن الا الذین ظلموا منهم و قولوا آمنا بالذی انزل الینا و انزل الیکم و الهنا و الهکم و احد و نحن له مسلمون».

۴۳/ آل عمران، ۲۰ «فان حاجوک فقل أسلمت وجهی لله و من اتبعن و قل للذین اوتوا الکتاب و الامین ءاسلمتم فان اسلموا فقد اهتدوا و ان تولوا فانما علیک البلاغ».

۴۴/ آل عمران، ۶۴ «قل یا اهل الکتاب تعالوا الی کلمه سواء بیننا و بینکم الا تعبد الالاله و لایشرك به شیئا و لا یتخذ بعضنا بعضاً ارباباً من دون الله».

۴۵/ بقره، آیه ۶۲ «ان الذین آمنوا و الذین هادوا و النصراری و الصابئین من امن بالله و الیوم الاخر و عمل صالحاً فلهم اجرهم عند ربهم و لا خوف علیهم و لا هم یحزنون».

*این یادداشت در روزنامه اطلاعات منتشر شده است.

برای دسترسی سریع به تازه‌ترین اخبار و تحلیل رویدادهای ایران و جهان **اپلیکیشن خبرآنلاین** را نصب کنید.